

مزدوری یا مرگ؛ ستراتیژی آی اس آی!

کشور حامی تروریسم (پاکستان)، همواره به خاطر رسیدن به اهداف شوم خویش در کشور های منطقه و به خصوص افغانستان از تداوم جنگ و گسترش آن به نقاط مختلف جهان استفاده اعظمی نموده و گروه ها و شبکه های مختلف هراس افگنی را در مناطق قبایلی آن کشور پرورش داده و به تسلیح، تجهیز و تمویل آنان پرداخته است. گروه طالبان نیز یکی از آن دسته گروه هایی است که به خاطر سیطره پاکستان در افغانستان و نیز به منظور تهدید کشور دوست هندوستان، ایجاد گردیده و تا حال به حیث ابزار عمده سیاست خارجی کشور تروریست پرور (پاکستان) شناخته می شود.

این گروه که زمانی زیر نام دین و مذهب در کشور ما سلطه یافته بود و بعد ها افشا گردید که اصلاً از دین مقدس اسلام هیچ بهره ندارند و با سیطره حدود پنج سال گویا امارت اسلامی شان، چه ظلم ها و ناروایی هایی که نبود بالای مردم مسلمان و متدین ما روا داشتند، بالاخره با وقوع حادثه یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ میلادی و حمایت همه جانبه شان از شبکه تروریستی و دهشت افکن القاعده، با حملات کوبنده نیروهای ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحده امریکا مواجه گردیده و سرنگون شدند و در مناطق قبایلی پاکستان فراری شده و در آنجا از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) پناه داده شدند. چند وقتی از فضای نسبی امنیت در کشور نگذشته بود که بار دیگر آن گروه از لانه امن خود (پاکستان) سر در آورده و این بار با یک وحشت خارق العاده حملات شان را توأم با انتحار، انفجار و ترور آغاز کردند.

دولت افغانستان به خاطر اینکه باز هم کشور ما به جویبار های خون مبدل نشود، پروسه صلح را برای همه مخالفین مسلح پیشنهاد کرد که یگانه چاره برای پایان بخشیدن به جنگ های خانمانسوز سه چهار دهه اخیر فقط همین بود و بس. هرچند سران طالبان که غلامی و بردگی پاکستان را به زر خریده بودند، این روند ملی دولت افغانستان را در ابتدا به خاطر فشار های آی اس آی قبول نکردند و تنها طرف مذاکره و مفاهمه خویش را ایالات متحده امریکا دانستند؛ اما بنا بر فشار های جامعه جهانی و به خصوص ایالات متحده بالای کشور حامی تروریسم، طالبان دفتر خویش را در قطر به خاطر مذاکره با دولت افغانستان گشودند که امید ها و آرزوهای مردم این سرزمین را به خاطر ختم جنگ تا اندازه در پی داشت. ولی، سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) در صدد مختل ساختن این پروسه، پلان ها و برنامه هایی را روی دست گرفت که در این اواخر به تعداد ۲۵ تن از سران طالبان را که تمایل به پروسه صلح داشتند و تحت نام والیان نام نهاد آن گروه در ولایت های غزنی و لغمان و حتی برادر رئیس استخبارات سابق طالبان و شمار دیگری از سران شورای کویته را اعدام نموده و نیز اعلام کرده اند که اگر کسی به روند صلح دولت افغانستان تمایل نشان بدهد، آنانرا نیز به چنین سزایی خواهند رسانید. در اینجا آنچه مایه عبرت برای طالبان و سایر گروه ها و شبکه های دهشت افکن است این می باشد که نباید فکر به امارت رسیدن را در سر بپروراند، آنهم امارتی که غلامی را در بر دارد و نباید یوغ بردگی کشوری را بر گردن نهند که خواهان هلاکت و بربادی سرزمین و ملت شان می باشد.

پس آنچه برای مخالفین مسلح دولت افغانستان قابل تذکر می باشد، این است که بیایند به سرزمین خویش و در آغوش پر از محبت ملت خویش و دیگر فریب و ترفند کشور های همسایه را که بدون شک متخاصم بوده و خیر و فلاح ملت ما را نمی خواهند، نخورده و به روند ملی صلح دولت افغانستان ببینند و از یوغ غلامی آنها برای همیشه خویش را رهایی بخشند تا باشد که حیثیت و وقار افغانی را حفظ نموده و برای آبادی و پیشرفت کشور و ملت محکوم و مظلوم خویش ممد واقع شوند.

پایان